

A Jurisprudential and Legal Feasibility Study of the Wife's Compulsory Participation in Providing Maintenance

Vahid Sedaghatnia¹  | **Mohammad Reza Keykha²**  | **Ehsan Samani³** 
Alireza Abin⁴ 

1. Corresponding Author, PhD Graduate, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Law, and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan. Email: v.sedaghatnia@iau.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Law, and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan. Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Law, and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan. Email: esamani63@lihu.usb.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Law, and Islamic Studies, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan. Email: alireza_abin@theo.usb.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
 Received:
 10 May 2026
 Received in revised form:
 10 July 2026
 Accepted:
 22 July 2026
 Published online:
 30 July 2026

Keywords:
 Maintenance,
 Husband's Financial
 Responsibility,
 Mandatory Contribution of
 the Wife

ABSTRACT

In Islamic jurisprudence, the responsibility for the financial maintenance of the family, including maintenance, rests with the husband; however, the wife may contribute to covering the household expenses. This article, conducted using an analytical-descriptive method, examines the question of whether the wife's financial contribution can be made obligatory. The research findings indicate that, in certain circumstances, legal obligations for the wife to pay household expenses may be possible. Based on the principle of freedom of contract spouses may, by mutual agreement, divide financial responsibilities between themselves. These responsibilities can be legally realized through contracts such as contract of settlement. If the wife possesses sufficient expertise and income, she can legally and obligatorily undertake a portion of the household expenses. Such obligations are valid and enforceable in light of the principles of civil law and ethical teachings. Jurisprudential perspectives also consider the wife's financial participation not only permissible but also in line with the social objectives of Islam and the realization of justice within the family. Furthermore, in situations of economic emergency where the husband is unable to provide maintenance and the continuation of such a situation would cause severe hardship for the family, it is possible by invoking secondary jurisprudential rules, including the rule of necessity, to obligate the wife to contribute directly to the maintenance without the need for prior agreement. Therefore, the wife's financial obligations in the form of private contracts, including *sulh* or *hibah*, are enforceable based on religious and legal principles. Additionally, in emergency situations, her secondary obligation can be justified and defended on the basis of the aforementioned rules.

Cite this article: Sedaghatnia, V., Keykha, M. R. Samani, E., Abin, A. (2026). A Jurisprudential and Legal Feasibility Study of the Wife's Compulsory Participation in Providing Maintenance. *Comparative Studies of Jurisprudence and Family Law*, 1(1), 1-11.

امکان سنجی فقهی حقوقی مشارکت الزامی زوجه در تأمین نفقه

وحید صداقت‌نیا^۱ | محمدرضا کیخا^۲ | احسان سامانی^۳ | علیرضا آبین^۴

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: v.sedaghatnia@iau.ac.ir
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: kaykha@hamoon.usb.ac.ir
۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: esamani63@lihu.usb.ac.ir
۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: alireza_abin@theo.usb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ واژه‌های کلیدی: نفقه، مشارکت مالی، مسئولیت مالی زوج، انتفاع زوج	در فقه اسلامی، مسئولیت تأمین مالی خانواده، از جمله نفقه، بر عهده زوج است؛ با این حال، زوجه می‌تواند در تأمین هزینه‌های زندگی مشارکت نماید. مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا مشارکت مالی زوجه به صورت الزام‌آور امکان‌پذیر است یا خیر. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در برخی موارد، الزامات قانونی برای پرداخت هزینه‌های زندگی از سوی زوجه متصور است. بر اساس اصل آزادی قراردادهای (ماده ۱۰ قانون مدنی)، زوجین می‌توانند با توافق دوجانبه، مسئولیت‌های مالی را میان خود تقسیم کنند. این مسئولیت‌ها می‌توانند از طریق قراردادهایی نظیر عقد صلح یا هبه به‌طور قانونی محقق شوند. در صورتی که زوجه دارای تخصص و درآمد کافی باشد، می‌تواند بخشی از مخارج زندگی را به‌طور قانونی و الزامی تعهد نماید. این تعهدات با توجه به اصول قوانین مدنی و آموزه‌های اخلاقی، معتبر و اجرایی خواهند بود. دیدگاه‌های فقهی نیز مشارکت مالی زوجه را نه تنها مجاز، بلکه در راستای اهداف اجتماعی اسلام و تحقق عدالت در خانواده می‌دانند. علاوه بر این، در شرایط اضطرار اقتصادی که زوج قادر به تأمین نفقه نباشد و تداوم این وضعیت موجب عسرت و حرج شدید برای خانواده گردد، می‌توان با استناد به قواعد ثانویه فقهی، از جمله «قاعده اضطرار»، زوجه را به صورت مستقیم و بدون نیاز به توافق پیشین، به مشارکت در تأمین نفقه ملزم نمود. بنابراین، تعهدات مالی زوجه در قالب قراردادهای خصوصی، از جمله عقد صلح یا هبه، بر اساس اصول شرعی و قانونی قابل اجراست و در شرایط اضطراری نیز الزام ثانویه وی بر مبنای قواعد مذکور، قابل توجیه و دفاع است.
استناد: صداقت‌نیا، وحید؛ کیخا، محمدرضا؛ سامانی، احسان؛ آبین، علیرضا. (۱۴۰۵). امکان سنجی فقهی حقوقی مشارکت الزامی زوجه در تأمین نفقه، مطالعات تطبیقی فقه و حقوق خانواده، (۱)، ۱۰۶-۱۱۹. ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان © صداقت‌نیا، وحید؛ کیخا، محمدرضا؛ سامانی، احسان؛ آبین، علیرضا.	

۱- مقدمه

خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی، پیوندی عمیق و پایدار میان زن و مرد ایجاد می‌کند که نه تنها از جنبه‌های جسمی و روانی، بلکه از منظر حقوقی و اقتصادی نیز آنان را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. این نهاد، بستری برای شکل‌گیری روابط متقابل و تعهدات مشترکی است که در قالب حقوق و تکالیف زوجین تبلور می‌یابد. یکی از مهم‌ترین تکالیف شرعی و قانونی زوج، تأمین نفقه زوجه است که بر اساس احکام فقه اسلامی و قوانین مدنی، به عنوان یک الزام حقوقی شناخته می‌شود. بر این اساس، زوج موظف است کلیه نیازهای مالی زوجه، اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و سایر امور متناسب با شأن و شرایط وی را تأمین کند. با این حال، در پرتو تحولات گسترده اقتصادی و اجتماعی، به ویژه افزایش سطح تحصیلات عالی و حضور فعال زنان در عرصه‌های شغلی و حرفه‌ای، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان در شرایط کنونی، مشارکت مالی زوجه در تأمین هزینه‌های زندگی مشترک را به عنوان یک الزام فقهی و حقوقی تبیین کرد؟

اگرچه در فقه امامیه، تأمین نفقه به طور کامل بر عهده زوج است و زوجه مسئولیتی مالی در این زمینه ندارد، اما با توجه به ظرفیت‌های موجود در فقه و حقوق، امکان مشارکت زوجه در تأمین هزینه‌های زندگی از طریق سازوکارهایی مانند توافقات طرفین یا قراردادهای خاص پیش‌بینی شده است. علاوه بر این، مسئله فراتر از توافقات قراردادی نیز قابل پیگیری است؛ در شرایط اضطرار اقتصادی که زوج از توان مالی برای تأمین نیازهای اساسی خانواده برخوردار نباشد، قواعد ثانویه فقهی، از جمله قاعده اضطرار، امکان الزام مستقیم زوجه به مشارکت در تأمین نفقه را بدون نیاز به شرط یا توافق پیشین فراهم می‌آورند. این رویکرد می‌تواند در شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی، به عنوان راهکاری برای تعدیل مسئولیت‌های مالی زوجین و تحقق عدالت در روابط خانوادگی مورد توجه قرار گیرد. مقاله حاضر با هدف بررسی مبانی فقهی و حقوقی مشارکت زوجه در تأمین نفقه، به تحلیل این مسئله پرداخته و با توجه به تحولات جامعه‌شناختی و اقتصادی، راهکارهای ممکن برای تبیین این مشارکت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این راستا، نقش فقه امامیه و قوانین مدنی در تنظیم روابط مالی زوجین و همچنین امکان تطبیق این احکام با نیازهای جامعه معاصر بررسی خواهد شد.

۲- پیشینه تحقیق

در حوزه مشارکت الزامی زوجه در تأمین نفقه، اگرچه تحقیقات جامع و مستقلی که به طور خاص به این موضوع پرداخته باشند محدود است، اما می‌توان به پژوهش‌هایی اشاره کرد که به طور غیرمستقیم به ابعاد مرتبط با این مسئله توجه داشته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها، مقاله‌ای با عنوان «نفقه زوجه و جایگاه آن در تأمین نیازهای مالی زن» نوشته فهیمه کلباسی است. در این مقاله، نویسنده به بررسی مبانی شرعی نفقه پرداخته و استدلال می‌کند که وجوب نفقه در صورت نیاز زوجه، امری قطعی و الزامی است؛ اما در شرایطی که زوجه بی‌نیاز باشد، فلسفه وجوب نفقه بر اساس اصل نیازمندی زن تبیین می‌شود. مقاله دیگری با عنوان «اشتغال زوجه و تأثیر آن بر نفقه» نوشته علی اکبر ایزدی فرد و همکاران، به بررسی این مسئله پرداخته است که آیا اشتغال زوجه با رضایت زوج، موجب سقوط قهری تمام یا بخشی از نفقه می‌شود یا خیر. نویسندگان در این مقاله استدلال می‌کنند که ادله الزام زوج به پرداخت نفقه، اطلاق دارد و شامل تمامی شرایط و زمان‌ها، حتی در صورت تمکن مالی زوجه، می‌شود. با این حال، آن‌ها به این نکته اشاره می‌کنند

که شرط سقوط نفقه زوجه در ضمن عقد، به‌ویژه در مواردی که زوجه مشغول به کار است، امری پذیرفتنی است و می‌تواند بر اساس اصل «معاشرت به معروف» توجیه شود. وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که به‌طور ویژه به بررسی مشارکت الزامی زوجه در تأمین نفقه پرداخته و با ارائه راهکارهای فقهی-حقوقی نوین، به تبیین سازوکارهایی می‌پردازد که می‌توانند مشارکت مالی زوجه در تأمین هزینه‌های زندگی مشترک را به‌عنوان یک الزام شرعی و قانونی مستدل سازد.

۳- مفاهیم

ضروری است که برخی از مفاهیم پرکاربرد در مقاله حاضر توضیح داده شود. این مفاهیم پایه‌ای برای فهم مسائل فقهی و حقوقی هستند و شناخت در ست آن‌ها به تحلیل بهتر موضوعات کمک می‌کند. در ادامه، هر یک از این مفاهیم به طور ساده و روشن توضیح داده خواهد شد.

۳-۱- نفقه

نفقه در لغت به معنای آن چیزی است که به کسی بخشیده شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۸۱۲) و همچنین به هزینه‌ها و مصرف‌هایی اطلاق می‌گردد که در زندگی روزمره انجام می‌شود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۷). در عرف فقها، نفقه به مأكولات، مشروبات و ملبوساتی گفته می‌شود که بقای انسان به آن‌ها بستگی دارد و اسباب وجوب آن سه مورد است: زوجیت، قرابت و ملک (مروج، ۱۳۷۹: ۵۴۲). بر اساس ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نفقه زوجه به معنای تأمین نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن است (شامل مسکن، لباس، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و در صورت نیاز، خادم). در این ماده، تأمین نفقه بر اساس وضعیت اجتماعی و اقتصادی زن سنجیده می‌شود، نه وضعیت مالی مرد؛ به عبارت دیگر، اگر زن از خانواده‌ای متمول باشد، مرد موظف است امکانات زندگی را متناسب با وضعیت اجتماعی و خانوادگی زن فراهم نماید.

۳-۲- مسئولیت مالی

مسئولیت به معنای الزام و تعهد برای پاسخ‌گویی به عمل یا رفتار خود در قبال دیگران یا جامعه است و در لغت به معنای مطالبه از شخص دیگری است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۸۱). در اصطلاح حقوقی، مسئولیت به معنای تعهد شخصی است که فرد به موجب آن موظف به جبران خسارت واردشده به دیگری می‌شود؛ به عبارت دیگر، مسئولیت به تعهدی اطلاق می‌شود که به سبب وارد آوردن ضرر به دیگری ایجاد شده است (خواجه پیری، ۱۳۸۹: ۱۵). در فقه اسلامی نیز لفظ «ضمان» در همین معنا به کار می‌رود و مفهوم آن مطلق اشتغال ذمه، به هر سبب باشد است. بنابر این، هر که ذمه‌اش مشغول به چیزی شود، ضامن آن است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۱۵۲).

واژه «مال» در لغت به معنای میل به چیزی پیدا کردن است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۸۲۲) و به معنای تمایل و توجه به چیزی نیز ذکر شده است (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ۴۲۴). در اصطلاح حقوقی، مال به چیزی اطلاق می‌شود که دارای ارزش اقتصادی و کاربرد باشد. مال دو ویژگی اساسی دارد: نخست، «مفید بودن» (به معنای رفع نیازهای بشر) و دوم، «قابلیت داد و ستد» (امکان انتقال در برابر وجه نقد یا مال دیگری) (میترا ضرابی و سلیمان اکبری، ۱۴۰۱: ۱۴۰۱).

۱۷). به این ترتیب، مسئولیت مالی الزامی قانونی است که فرد را موظف به جبران خسارات اقتصادی وارد شده به مال دیگران می‌کند، خواه از طریق پرداخت وجه، انتقال مال معادل یا هر روش دیگری که منجر به جبران ضرر مالی گردد.

۴- الزامی بودن پرداخت نفقه

پرداخت نفقه از سوی زوج به عنوان یکی از الزامات شرعی و قانونی در فقه اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد. همانطور که بیان شد نفقه به معنای تأمین هزینه‌های زندگی همسر و فرزندان بوده و شامل مصارفی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای او می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۶۹). بر اساس ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، به محض تحقق عقد نکاح به صورت صحیح، حقوق و تکالیف متقابل زوجین نسبت به یکدیگر برقرار می‌گردد. یکی از این حقوق، حق دریافت نفقه از سوی زوج است که مطابق با ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، در عقد دائم، پرداخت مهریه و نفقه بر عهده زوج می‌باشد. با این حال، الزام به پرداخت نفقه نیازمند اثبات و احراز شرایط خاص است. این مسئولیت نه تنها بار قانونی و اخلاقی بر دوش زوج می‌گذارد، بلکه هدف آن تأمین حمایت اقتصادی از همسر و ارتقای امنیت مالی خانواده می‌باشد. پرداخت نفقه از سوی زوج یک تکلیف غیرقابل چشم‌پوشی است که از لحاظ فقهی و قانونی الزامی شناخته می‌شود. واژه الزام به معنای وجوب و ضرورت انجام عمل و عدم امکان ترک آن به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۵۴۱). بر اساس فقه اسلامی، تأمین مخارج زن و پرداخت نفقه به‌طور مستقیم بر عهده مرد است. این امر در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی ایران نیز تصریح شده است که در عقد دائم، نفقه زن بر عهده شوهر است. در این زمینه، هیچ مسئولیتی برای زن در تأمین مخارج خود در نظر گرفته نمی‌شود. به عبارت دیگر، حتی اگر زوج دارای منابع مالی کافی باشد و نیازی به تأمین نفقه از سوی شوهر نداشته باشد، شوهر همچنان موظف است تا نفقه را پرداخت کند و از انجام تکلیف قانونی خود شانه خالی نکند (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۸۹). الزام زوج به پرداخت نفقه، پیش از آنکه نیازمند استدلال شرعی باشد، یک ضرورت عقلایی است. زیرا زندگی خانوادگی به‌عنوان یک ساختار مشترک نیازمند مشارکت و همکاری متقابل زوجین است و اداره آن نیازمند تأمین مالی از سوی مرد می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۷: ۱۵۲).

در منابع اسلامی پرداخت نفقه از سوی زوج از جمله حقوق زوج محسوب شده است. این موضوع را می‌توان از طریق روایات تفسیری که در ذیل آیات بیان شده‌اند، به صورت علمی و مستند تبیین نمود. از جمله می‌توان به این روایت اشاره کرد. روایتی که در تفسیر آیه «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق ۷). عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ، قَالَ إِذَا انْفَقَ الرَّجُلُ عَلَى امْرَأَتِهِ مَا يُقِيمُ ظَهْرَهَا مَعَ الْكِسْوَةِ وَالْإِفْرِقَ بَيْنَهُمَا (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۱: ۵۱۲). از امام (علیه السلام) راجع به آیه فوق سوال کردند. امام (علیه السلام) فرمودند: اگر مردی برای همسرش به اندازه‌ای اتفاق کند که زندگی او را تأمین کند و همچنین لباس مناسب برای او فراهم کند، در غیر این صورت، باید بین آن‌ها جدایی صورت گیرد. در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَلَا نَفَقَةَ لَهَا حَتَّى تَرْجِعَ» (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۵: ۵۱۴). (امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود، نفقه‌ای ندارد تا هنگامی که بازگردد). مفهوم

این روایت این است که اگر زن مطیع باشد، نفقه اش واجب است. در روایت دیگری پیامبر اسلام (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آله) می‌فرماید: «حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَسُدَّ جَوْعَتَهَا وَ أَنْ يَسْتَرْ عَوْرَتَهَا وَ لَا يُقْبِحَ لَهَا وَجْهًا فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ أَدَّى وَ اللّٰهُ حَقَّهَا» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۹۱). حق زن بر شوهرش این است که گرسنگی اش را برطرف کند، بر او لباس بپوشاند و از کارش عیب نگیرد، وقتی این کارها را انجام داد به خدا قسم حقش را ادا نموده است. در نتیجه با توجه به مقدمات فوق الزامی بودن نفقه هم از منظر عقل و هم از منظر شرع مقدس ثابت می‌گردد.

۵- مشارکت زوجه در تأمین نفقه

در فقه اسلامی و قوانین مدنی، تأمین هزینه‌های زندگی بر عهده شوهر قرار دارد و به موجب آن، شوهر موظف است نیازهای همسر خود را در مواردی چون مسکن، غذا، پوشاک، درمان و سایر نیازهای ضروری تأمین نماید. با این حال، این امر به طور کلی به این معنا نیست که همسران نمی‌توانند در تأمین نفقه مشارکت داشته باشند. در واقع، قوانین مدنی امکان مشارکت همسران در تأمین نفقه را به طرق مختلف فراهم کرده است. در ادامه به برخی از روش‌های مشارکت زوجین در تأمین مخارج زندگی اشاره خواهد شد.

۵-۱- امکان مشارکت زوجه در تأمین نفقه

در دانش فقه و حقوق اسلامی، هیچ قانونی وجود ندارد که زوجه را به‌طور مستقیم ملزم به پرداخت نفقه کند. مسئولیت تأمین نفقه به‌طور کامل بر عهده زوج است، چنان‌که در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی آمده است که در عقد دائم، نفقه زن بر عهده شوهر قرار دارد. بدین ترتیب، زن تنها در صورتی که بخواهد و از روی اراده آزاد خود تصمیم به مشارکت در تأمین هزینه‌ها بگیرد، ممکن است با اشتغال خود بخشی از هزینه‌ها را تقبل کند. فقهاء نیز در باب اشتغال زن بیان می‌کنند که اگر عقد مبنی بر اشتغال زوجه باشد شوهر حق منع او را ندارد (خمینی روح الله، ۱۳۹۲، ج ۹: ۲۸۴). در این زمینه ضوابط شرعی در ارتباط با اشتغال زنان در خارج از منزل مشخص شده است. بر اساس این اصول، انجام کار یا فعالیت اقتصادی و حرفه‌ای توسط زنان در بیرون از خانه، در صورتی که شرایط و موازین شرعی رعایت شود، از نظر شرعی منعی ندارد. این بدین معناست که اشتغال زنان، ذاتاً امری مجاز و مشروع محسوب می‌شود و تنها در صورتی ممکن است اشکال داشته باشد که موجب نقض ضوابط و احکام اسلامی گردد. (یوسفیان، بی تا، جلد ۱: ۶۲).

۶- قانونی بودن مسئولیت مالی زوجه

مطابق فقه امامیه در زندگی مشترک زوجین، مسئولیت مالی متوجه شوهر است و زوجه در امور مالی مسئولیتی ندارد. با این حال، طبق قراردادهایی که می‌تواند در قالب توافقات زوجین تنظیم شود، زن می‌تواند به‌طور داوطلبانه مسئولیت‌های مالی را به‌عهده گیرد. این مسئولیت مالی ممکن است در قالب شرایط خاصی در قراردادها و توافقات مختلف میان زوجین قرار گیرد.

۶-۱- شروط ضمن عقد در امور مباح

در فقه اسلامی، یکی از شروط صحت شرط ضمن عقد، عدم تعارض شرط با احکام کتاب و سنت است. این اصل به این معناست که شرط نباید با احکام شرعی اولیه یا ثانویه در تضاد باشد. در این راستا، مباحات، مستحبات و مکروهات به‌عنوان احکامی شناخته می‌شوند که می‌توانند تحت شرایط خاصی تغییر یابند، بدون اینکه این تغییر با احکام اولیه آن‌ها تعارض ایجاد کند. در واقع یکی از شرایط صحت شرط ضمن عقد، عدم مغایرت آن با کتاب و سنت است.

همچنین، در مورد امور مباح، امکان التزام به انجام یا ترک آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، در مواردی که فعل یا ترک فعلی به صورت پیش فرض مباح است، می‌توان با شرط ضمن عقد، التزام به انجام یا ترک آن ایجاد کرد، مشروط بر اینکه این التزام با احکام شرعی مغایرت نداشته باشد. (نائینی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۰۵). شیخ انصاری در بحث شروط صحت شرط، به اصل مهمی در فقه اشاره دارد: احکام برخی موضوعات به صورت مستقل و بدون در نظر گرفتن عناوین یا شرایط اضافی، فی نفسه برای آن‌ها ثابت می‌شود. این احکام می‌توانند با عروض عنوان یا شرطی دیگر تغییر یابند، بدون اینکه تعارضی با حکم اولیه ایجاد شود. این اصل به‌ویژه در مورد مباحات، مستحبات و مکروهات صدق می‌کند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۶). حکم یک موضوع ممکن است به صورت ذاتی و مستقل از عناوین دیگر برای آن ثابت باشد. برای مثال، یک فعل ممکن است از منظر شرعی مباح باشد، یعنی انجام یا ترک آن جایز است. با این حال، اگر عنوان یا شرطی خاص بر آن عارض شود، ممکن است حکم آن تغییر کند، بدون اینکه این تغییر با حکم اولیه در تناقض باشد. در بحث مشارکت زوجه در تأمین نفقه که یک امر مباحی محسوب می‌شود پرداخت یا عدم پرداخت آن از سوی زوجه امری جایز است. با این حال، اگر عنوان یا شرط خاصی بر آن عارض شود، حکم آن ممکن است تغییر کند، بدون اینکه این تغییر با حکم اولیه در تناقض باشد. بنابراین اگر زوجه این شرط را بپذیرد که در تأمین نفقه مشارکت داشته باشد، التزام به آن برای او لازم می‌شود، در حالی که بدون این شرط، مشارکت در نفقه بر او واجب نیست. این تغییر حکم، ناشی از شرط ضمن عقد است و با مباح بودن اولیه مشارکت در نفقه تعارضی ندارد. باید گفت که این تغییر حکم با مؤلفه عدالت اقتصادی سازگار است، زیرا نه تنها تعارضی با مباح بودن اولیه مشارکت ندارد، بلکه با ایجاد توازن در مسئولیت‌های مالی زوجین، عدالت اقتصادی را تقویت می‌کند و از تحمیل بار یک‌جانبه بر زوج جلوگیری می‌کند و به آزادی انتخاب زوجه نیز احترام می‌گذارد.

۶-۲- اصل آزادی قراردادها

ماده ۱۰ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد که قراردادها خصوصی نسبت به طرفین آن‌ها، در صورتی که مغایر با قانون نباشد، نافذ و معتبر است. این ماده اصولاً بیانگر اصل آزادی قراردادها است که به افراد این اختیار را می‌دهد تا در تعیین شرایط و مفاد قراردادها به‌طور آزادانه تصمیم‌گیری کنند، به شرط آنکه مفاد قرارداد با قوانین صریح و آمره مغایرت نداشته باشد. با توجه به این نکته در مورد هر یک از زوجین در کنار حقوقی که نسبت به یکدیگر دارند، تکالیفی را نیز بر عهده می‌گیرند و در این راستا، هر حق، مسئولیت خاص خود را به دنبال دارد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). به عبارت دیگر در مورد نفقه زوجه، که به‌طور اصولی بر عهده زوج است و طبق شرع مقدس به وی تکلیف شده است، این مسئولیت می‌تواند با توافق طرفین در قالب یک قرارداد تغییر یابد. بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی، افراد می‌توانند به‌طور آزادانه با یکدیگر توافق کرده و قراردادهایی خصوصی منعقد کنند. از این رو، اگر زوجه در یک قرارداد خصوصی متعهد شود که بخشی از نفقه یا نیازهای مالی زندگی مشترک را تأمین کند، چنین قراردادی از نظر قانونی صحیح و الزام‌آور است. با توجه به تخصص‌های مختلف و فرصت‌های شغلی موجود برای زنان در جوامع معاصر، اگر زوجه در قالب توافقی داوطلبانه بخشی از هزینه‌های زندگی را به عهده گیرد، این تعهد نافذ و باید به آن عمل شود.

این امر مسلم است که در روابط زوجین، مرد هیچ‌گونه حقی نسبت به مال یا کار زن ندارد و نمی‌تواند او را مجبور به انجام کارهایی کند که به نفع او باشد، و همچنین، در صورتی که زن از طریق کار خود مال یا ثروتی به دست آورد،

مرد بدون رضایت او حق تصرف در آن مال را ندارد (مطهری، ۱۴۰۲: ۱۹۴). اسلام در قوانین خود سعادت فردی و اجتماعی مرد و زن و فرزندان که باید در این شرایط پرورش یابند، را در نظر دارد. این دین، به‌منظور رسیدن به سعادت انسان‌ها، تأکید دارد که قوانین طبیعت و شرایط اجتماعی که به‌دست تدبیر الهی ایجاد شده است، نادیده گرفته نشود (همان، ۱۴۰۲: ۲۱۰). بدین ترتیب، اسلام می‌خواهد که هر یک از زن و مرد در سازندگی جامعه انسانی به‌طور شایسته ایفای نقش کنند و به‌طور مشترک در تحقق اهداف جامعه بشری سهیم باشند. زن و مرد می‌توانند در چارچوب اصول اسلامی و بدون مخالفت با مقتضیات ازدواج و قوانین شرعی، توافقات و شروط خاصی را بین خود تعیین کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴: ۸۷).

در منابع فقهی، یکی از شروط صحت شرط ضمن عقد، عدم تعارض شرط با احکام کتاب و سنت است. این اصل به این معناست که شرط نباید با احکام شرعی اولیه یا ثانویه در تضاد باشد. در این راستا، مباحات، مستحبات و مکروهات به‌عنوان احکامی شناخته می‌شوند که می‌توانند تحت شرایط خاصی تغییر یابند، بدون اینکه این تغییر با احکام اولیه آن‌ها تعارض ایجاد کند. در واقع یکی از شرایط صحت شرط ضمن عقد، عدم مغایرت آن با کتاب و سنت است. همچنین، در مورد امور مباح، امکان التزام به انجام یا ترک آن‌ها وجود دارد. به عبارت دیگر، در مواردی که فعل یا ترک فعلی به‌صورت پیش‌فرض مباح است، می‌توان با شرط ضمن عقد، التزام به انجام یا ترک آن ایجاد کرد، مشروط بر اینکه این التزام با احکام شرعی مغایرت نداشته باشد. شیخ انصاری در بحث شروط صحت شرط، به اصل مهمی در فقه اشاره دارد: احکام برخی موضوعات به‌صورت مستقل و بدون در نظر گرفتن عناوین یا شرایط اضافی، فی‌نفسه برای آن‌ها ثابت می‌شود. این احکام می‌توانند با عروض عنوان یا شرطی دیگر تغییر یابند، بدون اینکه تعارضی با حکم اولیه ایجاد شود. این اصل به‌ویژه در مورد مباحات، مستحبات و مکروهات صدق می‌کند. حکم یک موضوع ممکن است به‌صورت ذاتی و مستقل از عناوین دیگر برای آن ثابت باشد. برای مثال، یک فعل ممکن است از منظر شرعی مباح باشد، یعنی انجام یا ترک آن جایز است. با این حال، اگر عنوان یا شرطی خاص بر آن عارض شود، ممکن است حکم آن تغییر کند، بدون اینکه این تغییر با حکم اولیه در تناقض باشد. در بحث مشارکت زوجه در تأمین نفقه که یک امر مباحی محسوب می‌شود پرداخت یا عدم پرداخت آن از سوی زوجه امری جایز است. با این حال، اگر عنوان یا شرط خاصی بر آن عارض شود، حکم آن ممکن است تغییر کند، بدون اینکه این تغییر با حکم اولیه در تناقض باشد. بنابراین اگر زوجه این شرط را بپذیرد که در تأمین نفقه مشارکت داشته باشد، التزام به آن برای او لازم می‌شود، در حالی که بدون این شرط، مشارکت در نفقه بر او واجب نیست. این تغییر حکم، ناشی از شرط ضمن عقد است و با مباح بودن اولیه مشارکت در نفقه تعارضی ندارد. باید گفت که این تغییر حکم با اصل عدالت نیز سازگار است، زیرا نه تنها تعارضی با مباح بودن اولیه مشارکت ندارد، بلکه با ایجاد توازن در مسئولیت‌های مالی زوجین، عدالت توزیعی را تقویت می‌کند و از تحمیل بار یک‌جانبه بر زوج جلوگیری می‌کند و به آزادی انتخاب زوجه نیز احترام می‌گذارد.

۶-۳- عقد صلح بر مسئولیت مالی زوجه

یکی از عوامل مؤثر بر مسئولیت مالی زوجه، عقد صلح است. طبق ماده ۷۵۴ قانون مدنی، عقد صلح به‌عنوان یک عقد نافذ شناخته می‌شود. این عقد از عقود معین است که در قانون مدنی در فصل خاصی که شامل نوزده ماده است، مقررات آن توسط قانون‌گذار به‌طور مشخص بیان شده است. در قرآن کریم نیز به امر صلح اشاره شده است، از جمله

در آیه ۲۰۸ سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (ای اهل ایمان همگی در صلح و آشتی درآید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا که او دشمن آشکار شماست). این آیه دعوت به صلح و آشتی و دوری از وسوسه‌های شیطان را می‌کند. همچنین، در آیه ۶۱ سوره انفال نیز اشاره به صلح دارد: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (و اگر دشمنان برای صلح مایل شدند، تو نیز اظهار میل کن و به خدا توکل داشته باش که او شنوا و آگاه است). که بر لزوم تمایل به صلح در صورت آمادگی دشمن تأکید می‌کند. عقد صلح به عنوان یک عقد مستقل در نظر گرفته می‌شود و فرع بر عقود دیگر نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۵: ۹۵). طبق ماده ۷۶۰ قانون مدنی، عقد صلح به عنوان عقدی لازم شناخته می‌شود، به این معنا که پس از تحقق آن، فسخ آن به طور کلی مجاز نخواهد بود مگر اینکه در آن حق خیار پیش‌بینی شده باشد..

تعهدی که از طریق عقد صلح به وقوع می‌پیوندد، الزام‌آور است و طرفین باید به آن ملتزم باشند. در صورتی که زوجین قبل از عقد نکاح یا در زمان عقد نکاح، توافق کنند که بخشی از مخارج زندگی بر عهده زوجه قرار گیرد، طبق شرایط عقد صلح، زوجه ملزم به اجرای این تعهد خواهد بود. به‌ویژه اگر زوجه از تخصص و درآمد کافی در یک زمینه خاص برخوردار باشد، و تعهد کند که بخشی از هزینه‌های زندگی را تأمین نماید، این مسئولیت بر عهده او خواهد بود. گرچه بر اساس اصول فقهی، وظیفه اصلی تأمین مخارج زندگی بر عهده زوج است، اما اگر زوجه این تعهد را بپذیرد، باید به طور کامل به آن عمل کند. مشروعیت چنین تعهدی را می‌توان از عمومات آیات قرآن استنباط کرد که بر وفای به عهد تأکید دارند. به‌ویژه در آیه ۱ سوره مائده، خداوند می‌فرماید: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» که به وفای به عهد اشاره دارد (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۲۰). بنابراین، هرگاه فردی با قصد و رضایت خود تعهدی را بپذیرد، باید آن را اجرا کند. در صورت تمایل به تنظیم چنین تعهدی مبنی بر تأمین هزینه‌های زندگی توسط زوجه، این تعهد می‌تواند از طریق تنظیم یک تعهدنامه در دفاتر اسناد رسمی صورت گیرد. این تعهدنامه ممکن است به صورت اخلاقی یا قانونی تنظیم شود. در تعهدنامه‌های اخلاقی، طرفین به طور داوطلبانه و بدون ضمانت اجرایی به تعهدات خود پایبند می‌شوند، در حالی که در تعهدنامه‌های قانونی، ممکن است برای تأمین اجرای تعهد، ضمانت‌های اجرایی در نظر گرفته شود.

۶-۴- تعهد مخارج زندگی در قالب عقد هبه

یکی از راه‌های تعهد زوجه به پرداخت مخارج زندگی، می‌تواند از طریق عقد هبه باشد. هبه در لغت به معنای اعطاء و بخشش چیزی به دیگری بدون دریافت عوض یا مقابله است (سرور ابراهیم حسن، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۵۷). به عبارت دیگر، هبه به عنوان اعطاء بدون مقابل یا عوض شناخته می‌شود. بیشتر فقهاء معانی هبه، هدیه، صدقه و عطیه را نزدیک به هم می‌دانند، با این حال تفاوت‌هایی نیز در میان آن‌ها وجود دارد. به طور خاص، صدقه به معنای اعطای چیزی به نیازمند به منظور جلب رضای خداوند است، در حالی که هدیه اعطای چیزی به دیگری با هدف تقرب و محبت به او است (حماد، ۱۴۲۹: ۴۶۴).

ویژگی اصلی عقد هبه این است که انتقال مال به صورت رایگان و بدون دریافت معوض صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، هبه یک عقد تملیکی است که در آن هیچ‌گونه جبران مالی یا مقابله‌ای برای انتقال مال وجود ندارد. در مقابل، نوع دیگری از هبه تحت عنوان هبه معوضه مطرح است که در آن هبه در ازای دریافت عوض صورت می‌گیرد و دارای احکام خاص خود می‌باشد. این تفاوت‌های موجود میان هبه رایگان و هبه معوضه به وضوح نشان‌دهنده این

است که در هبه رایگان، انتقال مال بدون توقع هیچ‌گونه پاداش یا جبران مالی انجام می‌شود. اگر زوجه در قالب عقد هبه متعهد شود که با توجه به تخصص و مهارت خود، بخشی از مخارج زندگی را پذیرا شود، این تعهد به‌طور اصولی صحیح و لازم‌الاجرا خواهد بود. در خصوص لزوم و جواز عقد هبه، بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۸۰). اما طبق ماده ۷۹۵ قانون مدنی، که به تبیین عقد هبه پرداخته است، این عقد به معنای انتقال مالی است که به‌طور مجانی به شخص دیگری تملیک می‌شود. بدین ترتیب، وقتی هبه‌دهنده مال مورد نظر را به گیرنده انتقال دهد و گیرنده آن را قبول کند، عقد هبه به‌طور کامل صورت می‌گیرد و برای هبه‌دهنده و هبه‌گیرنده لازم‌الاجرا می‌شود. برخی فقهاء، با وجود تحقق شرایط عقد هبه، آن را عقدی لازم می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۶: ۹).

بنابراین، اگر زوجه در قالب عقد هبه متعهد به تأمین بخشی از مخارج زندگی گردد، این تعهد به‌طور ضمنی یک توافق مالی محسوب می‌شود که به صورت قانونی قابل اجرا است. این تعهد ممکن است بر اساس تخصص، هنر یا سایر مهارت‌های زوجه باشد و درآمد حاصل از آن به تأمین هزینه‌های زندگی و معیشت خانواده کمک کند. در واقع، همان‌طور که در تعریف هبه آمده است، این عقد تملیک عین بدون دریافت عوض را محقق می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۷۹). لذا ممکن است زوجه متعهد شود که بخشی از مخارج زندگی را به صورت مجانی تملیک کند، که این تعهد به‌عنوان یک عطیه و بخشش نیز شناخته می‌شود.

۷- الزام ثانویه زوجه در تأمین نفقه در شرایط اضطرار

در نظام فقهی اسلام، تأمین نفقه زوجه به‌عنوان یک تکلیف شرعی اولیه بر عهده زوج قرار داده شده و زوجه در وضعیت عادی هیچ مسئولیتی در این باره ندارد، اما ظرفیت‌های موجود در فقه امامیه و قوانین موضوعه، امکان شکل‌گیری مسئولیت مالی برای زوجه را در شرایط اضطرار فراهم کرده است. به عنوان نمونه، ناتوانی کامل یا نسبی زوج در تأمین حداقل‌های معیشتی خانواده به‌دلیل بیکاری مزمن، بیماری صعب‌العلاج، تنگدستی شدید یا هر عارضه دیگری که قدرت اقتصادی مرد را از کار اندازد.

کلمه اضطرار در لغت به معنی نیازمندی به چیزی است و گاه به این معنی است که کاری او را به آن چیز ناچار می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۴۸۳). به تعبیری اضطرار حالتی است که با خوف از ضرری مورد توجه که به صورت عادی قابل تحمل نباشد، محقق می‌گردد. اضطرار زمانی پدید می‌آید که شخص در تنگنایی قرار گیرد که یا ناگزیر از ارتکاب فعلی شود که در شرایط عادی جایز نیست، یا ترک آن فعل موجب ورود خسارت جبران‌ناپذیری به وی گردد. این خسارت می‌تواند متوجه جان، مال، آبرو یا کیان خانوادگی او باشد و آن‌چنان جدی است که عرفاً قابل تحمل به شمار نمی‌رود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۷۱). با این حال، نباید اضطرار را با اکراه یکی دانست. اکراه هنگامی تحقق می‌یابد که شخصی با تهید لفظی دیگری را تهدید کند و عامل اصلی اجبار، سخن و وعید زبانی است که تهدیدکننده را در موقعیت قدرت قرار می‌دهد. اما در اضطرار، موضوع فرق می‌کند. آنچه فرد را به انجام یا ترک کاری وامی‌دارد، صرفاً یک تهدید زبانی نیست؛ بلکه گرفتار شدن در مشقت و سختی‌ای است که به طور عادی قابل تحمل نیست. به عبارت دیگر، شخص مضطر نه از ترس تهدید دیگری، بلکه به این دلیل که خود را در موقعیتی می‌بیند که جان، مال یا آبرویش در خطر افتاده است، چاره‌ای جز اقدام ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۷۱).

بر اساس قاعده اضطرار که به اجمال عبارت است از رخصت ارتکاب حرام یا ترک واجب با ایجاد شرایط و موقعیت خاص که مکلف را ناگزیر از ارتکاب آن کند، در دانش فقه به عنوان یکی از عناوین ثانویه شناخته می شود که به محض تحقق، حکم تکلیفی اولیه را دگرگون می سازد. کارکرد اصلی این عنوان آن است که مکلف را از دایره موضوع حکم شرعی خارج می کند و بدین ترتیب، ارتکاب حرام یا ترک واجب را در حالت ضرورت، مجاز و روا می گرداند. برای نمونه، خوردن گوشت مردار یا ترک نماز در شرایط عادی عملی حرام شمرده می شود، اما در وضعیت اضطرار مانند جایی که جان انسان در خطر باشد یا عسر و حرج شدیدی پیش آید نه تنها حرام نیست، بلکه به حکم ضرورت، حلال و جایز می گردد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۴۲). در آیه ۱۷۳ سوره بقره آمده است «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَيْزِرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» خداوند به تحقیق مردار و خون و گوشت خوک و گوشت هر حیوانی را که به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن برده شود، حرام کرده است؛ ولی کسی که مضطر شود، نه افراط کننده و متجاوز، از آنها بخورد گناهی بر او نیست؛ زیرا که خداوند بخشاینده و مهربان است. این قاعده، گشایشی است که شارع مقدس برای رفع تنگنای حیات بنندگان خود در نظر گرفته است و می تواند در بحث الزام ثانویه زوجه به مشارکت در نفقه نیز راهگشا باشد. به تعبیری در شرایط اضطرار اقتصادی که زوج قادر به تأمین نفقه نیست و تداوم این وضعیت موجب ضرر و عسر و حرج شدید برای خانواده می گردد، وجوب تأمین مخارج زندگی از عهده زوج خارج می گردد.

۸- شرایط مشارکت زوجه در تأمین نفقه

اشتغال زنان به عنوان یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در جوامع معاصر، از نتایج رشد و توسعه سطح دانش و توان علمی زنان به شمار می رود. به موازات پیشرفت های علمی و آموزشی زنان، نیازهای اقتصادی و اجتماعی خانواده ها نیز افزایش یافته است که این امر موجب ورود تدریجی زنان به عرصه مشاغل مختلف اجتماعی و اقتصادی گردیده است. در حالی که بسیاری از زنان به کارهای روزمره زندگی و خانه داری مشغول اند، اما برخی از آنان نیز دارای مهارت های خاصی هستند که می توانند در تأمین درآمد و ارتقای وضعیت اقتصادی خانواده نقشی مؤثر ایفا کنند (صادقی شاد، ۱۳۹۱: ۸۲). از دیدگاه فقهی، اشتغال زنان در جوامع اسلامی تحت شرایط خاصی بررسی می شود که رعایت اصول و موازین شرعی در آن ضروری است. به عبارت دیگر، در صورتی که زن تصمیم به اشتغال بگیرد، باید شرایط و قوانینی که مطابق با اصول فقهی هستند را رعایت کند تا اشتغال او با احکام شرعی مغایرت نداشته باشد. برخی از این شرایط و ضوابط باید به طور دقیق بررسی و رعایت شوند تا اشتغال زنان در راستای قوانین اسلامی و فقهی قرار گیرد.

۸-۱- رضایت زوج

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی ایران به صراحت بیان می دارد که شوهر می تواند همسر خود را از اشتغال به حرفه یا صنعتی که با مصالح خانوادگی یا حیثیت شخصی زن مغایرت داشته باشد، منع کند. از دیدگاه فقهی، خروج زن از منزل به هر دلیل و برای هر منظور باید با اجازه شوهر صورت گیرد. به عبارت دیگر، در صورتی که زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و به طور صریح یا ضمنی در عقد نکاح شرطی مبنی بر اشتغال نداشته باشد، شوهر این حق را دارد که همسر خود را از اشتغال در هر زمینه ای که مغایر با مصالح خانواده یا اصول اخلاقی باشد، منع نماید (محقق داماد، ۱۳۸۴: ۳۱۶). با این حال، در صورتی که زن در زمان ازدواج شاغل بوده و شرط ادامه اشتغال در ضمن عقد نکاح ذکر شده

با شد، شوهر حق ندارد او را از ادامه شغل خود منع کند (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۹: ۲۸۴). در این صورت، اشتغال زن به شغل مورد نظر به‌طور قانونی و شرعی پذیرفته شده و شوهر نمی‌تواند به‌طور یک‌طرفه آن را تغییر دهد.

۸-۲- عدم اختلاط با نامحرم

یکی از مسائل فقهی مهم در خصوص زنان در محیط کار، جلوگیری از اختلاط بی‌حد و مرز با مردان نامحرم است. در صورتی که محیط کار مختلط باشد، زنان باید از حضور در موقعیت‌هایی که ممکن است منجر به اختلاط نزدیک با مردان نامحرم شود، اجتناب کنند. فقهاء بر این موضوع تأکید دارند که حجاب و خودداری از اختلاط در محیط‌های اجتماعی و شغلی امری ضروری و لازم است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۸: ۴۹۴). این مسئله عدم اختلاط به‌طور خاص در زمینه‌های اجتماعی، شغلی، خانوادگی و عمومی مطرح است و هدف از آن حفظ حرمت، عفت و پرهیز از فتنه است. در چارچوب فرهنگ اسلامی، زنان باید از برقراری روابط اجتماعی نزدیک یا خصوصی با مردان نامحرم خودداری کنند. این اجتناب شامل مواردی همچون صحبت‌های طولانی، رفت‌وآمدهای بی‌دلیل و ارتباطات خارج از چارچوب‌های شرعی است. از منظر فقهی، حتی اگر دو نفر در یک زمینه کاری یا اجتماعی با یکدیگر در ارتباط باشند، این ارتباط باید محدود به ضرورت‌ها و بر اساس ضوابط شرعی باشد تا از هرگونه سوءتفاهم یا خطر اخلاقی جلوگیری شود. در قرآن مجید نیز آیاتی به این مسأله اشاره دارند از جمله آیه ۳۱ سوره نور که خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمُنُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَتِ الْأُنثَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». (و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را از نامحرمان ببندند و فروج خود را حفظ کنند و زینت خود را جز آنچه که آشکار است نمایان نکنند. روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند و نباید زینت خود را آشکار سازند، جز برای شوهرانشان یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیش خود، یا بردگان و کنیزانشان، یا مردان سفیهی که میل به زنان ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی زنان آگاه نیستند. زنها در هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نکوبند تا زینت پنهان آنان آشکار شود. ای اهل ایمان! همگی به درگاه الهی توبه کنید؛ شاید رستگار شوید). هدف از این دستورالعمل‌ها حفظ عفت و پاکدامنی زنان و جلوگیری از فتنه و فساد است. طبق این آیه، زنان باید از برقراری ارتباطات و روابط بی‌مورد با مردان نامحرم پرهیز کنند و تنها در شرایط ضروری و در چارچوب‌های شرعی به تعاملات اجتماعی بپردازند.

۸-۳- رعایت حجاب و پوشش مناسب

حجاب اسلامی به معنای پوشاندن بدن زن به گونه‌ای است که توجه غیر ضروری مردان را جلب نکرده و از نگاه‌های تحقیرآمیز و شهوانی جلوگیری می‌کند. در چارچوب فقه اسلامی، رعایت حجاب توسط زنان در برابر مردان نامحرم الزامی است و آنان باید از پوشیدن لباس‌هایی که جذابیت یا تحریک‌کنندگی دارند، پرهیز کنند. در آیه ۵۹ سوره احزاب، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْزَوَاجِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا». (ای پیامبر به همسران و دخترانت و همسران اهل ایمان بگو که خود را به وسیله چادر بپوشانند، این کار برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است. خداوند بخشنده و مهربان

است). در این آیه، خداوند از پیامبر خواسته است تا به همسران، دختران و زنان مؤمن بگوید که خود را به وسیله جلاباب بپوشانند تا شناخته شده و از آزار و اذیت در امان بمانند. کلمه جلابیب جمع جلاباب است و به لباس سرتاسری اطلاق می‌شود که تمام بدن را می‌پوشاند، یا به روسری خاصی که صورت و سر را می‌پوشاند. مفهوم این آیه این است که زنان باید به گونه‌ای بپوشند که بدن آن‌ها، به ویژه زیر گلو و سینه‌ها، در معرض دید نباشد. این دستور بر لزوم رعایت حجاب اسلامی و حفظ شخصیت و امنیت زنان در جامعه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که حجاب نه تنها به پوشاندن مو یا بدن محدود نمی‌شود، بلکه هدف اصلی آن جلوگیری از آزار و ایجاد امنیت اجتماعی برای زنان است.

۹- نتیجه‌گیری

در فقه اسلامی و قوانین مدنی، مسئولیت مالی خانواده به‌طور کلی بر عهده زوج است. با این حال، به موجب اصل آزادی قراردادها (ماده ۱۰ قانون مدنی) و امکان تنظیم توافقات خصوصی میان زوجین، زوجه می‌تواند در برخی موارد مسئولیت مالی را بر عهده بگیرد؛ این امر می‌تواند در قالب قراردادهای خصوصی، عقد صلح یا هبه تحقق یابد. به‌ویژه در صورتی که زوجه دارای تخصص و درآمد باشد، می‌تواند بخشی از مخارج زندگی را متعهد شود و چنین تعهدی از نظر قانونی و اخلاقی الزام‌آور است.

براساس آیات قرآن و دیدگاه‌های فقهی، هرچند مسئولیت اصلی هزینه‌ها بر عهده زوج است، مشارکت مالی زوجه نه تنها مجاز است، بلکه می‌تواند در راستای اهداف اجتماعی اسلام و ایجاد عدالت در خانواده باشد. همچنین، چنانچه زوجه در قراردادهای خصوصی (که براساس قانون مدنی و اصول اخلاقی تنظیم شده‌اند) تعهدی مبنی بر تأمین بخشی از مخارج زندگی پذیرفته باشد، ملزم به رعایت آن است. این نکته حاکی از اهمیت تطبیق حقوق و مسئولیت‌های شرعی و قانونی در چارچوب قراردادهای میان‌فردی است. اجرای این تعهدات می‌تواند از طریق تنظیم اسناد رسمی، به‌ویژه در قالب عقد هبه یا صلح، صورت پذیرد تا مسئولیت مالی زوجه در این راستا، معتبر و قانونی باشد.

علاوه بر این، در شرایط اضطرار اقتصادی (مانند بیکاری، بیماری یا تنگدستی شدید زوج) که تأمین حداقل‌های معیشتی خانواده مقدور نباشد، قواعد ثانویه فقهی (از جمله قاعده اضطرار)، زمینه‌ساز الزام زوجه تمکن‌دار به مشارکت موقت در تأمین نفقه تا زمان رفع بحران می‌شود. در مجموع، فقه اسلامی در خصوص اشتغال زنان، با حفظ حدود شرعی و اصول اخلاقی، شرایطی را برای مشارکت فعال و مفید آنان در جامعه فراهم کرده است؛ بنابراین، اشتغال زنان باید با احترام به موازین دینی و با نگاهی متوازن به نیازهای خانواده و جامعه صورت گیرد.

منابع

قرآن مجید

ابن سیده علی بن ابراهیم، (۱۴۲۱)، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن فهد حلی احمد بن محمد، (۱۴۰۷)، عده الداعی، قم، دارالکتب الاسلامی.

ابن منظور محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.

انصاری مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، المکاسب، المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثانیة لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری. الأمانة العامة، قم.

جوهری اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶) الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین

حراغملی محمد بن حسن، (۱۴۱۶)، تفصیل وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه لال‌ال‌بیت (علیهم‌السلام) احیاء التراث.

- حماد نزیه، (۱۴۲۹)، معجم المصطلحات المالیه و الاقتصادیه فی لغه الفقهاء، دمشق، دارالعلم.
- خمینی روح‌الله، (۱۳۹۲)، استفتائات (امام)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خواجہ پیری عباس، (۱۳۸۹)، موجبات مسئولیت مدنی و آثار آن، الہدی، تهران.
- راغب اصفہانی حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
- زمخشری محمود بن عمر، (۱۳۸۶)، مقدمه الأدب، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- سرور ابراہیم حسن، (۱۴۲۹)، المعجم الشامل للمصطلحات العلمیه و الدینیہ، بیروت، دارالہادی.
- شہید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضہ البہیہ فی الشرح اللمعنہ دمشقیہ (دہ جلدی)، قم، مکتبہ الداوری.
- شہید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالک الأفہام الی تنقیح شرایع الإسلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیہ.
- صادقی شاد مہشاد، (۱۳۹۱)، زنان و رشد اقتصاد خانوادہ، تهران، فرهنگ سبز.
- صافی گلپایگانی لطف‌اللہ، (۱۳۹۴)، زن در پرتو اسلام، قم، دفتر نشر آیہ اللہ صافی گلپایگانی.
- طباطبایی محمد حسین، (۱۳۵۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسماعیلیان.
- علامہ حلی حسن بن یوسف، (۱۴۱۱)، تبصرہ المتعلمین فی احکام الدین، تهران، وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
- قرشی علی اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیہ.
- کلینی محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیہ.
- محقق حلی جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرایع الإسلام فی مسائل الحرام و الحلال، قم، اسماعیلیان.
- محقق داماد مصطفی، (۱۳۸۴)، بررسی فقهی حقوق خانوادہ، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مروج حسین، (۱۳۷۹)، اصطلاحات فقهی و دائرہ المعارف، قم، بخشایش.
- مطہری مرتضی، (۱۴۰۲)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی ناصر، (۱۴۲۴)، کتاب النکاح، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- میترا ضرابی، سلیمان اکبری، (۱۴۰۱)، بایستہ های حقوق مدنی، تهران، طرح نوین اندیشہ.
- نائینی محمد حسین، خوانساری نجفی موسی (شارح)، ۱۳۷۳، منیہ الطالب، المکتبہ المحمدیہ، تهران.
- ہاشمی شاهرودی محمود، (۱۳۸۲)، فرهنگ فقہ مطابق مذهب اہل بیت (علیہم السلام)، قم، مؤسسه دائرہ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت (علیہم السلام).
- یوسفی حبیب اللہ، (۱۳۹۲)، آشنایی با حقوق مدنی و سیاسی اسلام، بی‌جا.
- یوسفیان، نعمت‌اللہ، بی‌تا، احکام اقتصادی خانوادہ، تهران، سپاہ پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی‌فقیہ، ادارہ آموزش‌های عقیدتی سیاسی.